



بررسی تحلیلی عوامل موثر بر مدرسه گریزی دانش آموزان

انوشه رحیمی گل خندان^۱، شمیلا توفیقی^۲، فاطمه سرداری^۳

۱- کارشناسی ارشد مهندسی صنایع، دانشگاه غیر انتفاعی اسرار

Anousheh65@gmail.com

۲- کارشناسی مهندسی مدیریت اجرایی، دانشگاه پیام نور بجنورد

tofiqi6896@gmail.com

۳- کارشناسی آموزش زبان انگلیسی، دانشگاه دولتی بجنورد

fatimasardari29122@gmail.com

چکیده

یکی از مهمترین و اولین مشکلات در مدارس فرار دانش آموزان از مدرسه است. مدرسه گریزی مقدمه ای برای ورود دانش آموزان به رفتارهای خطر آفرین و ترک تحصیل است. سالانه هزاران دانش آموز بدون اینکه توجه دیگران را به خود جلب کنند از مدرسه غیبت می کنند. فرار دانش آموزان از مدرسه مشکلات آموزشی اجتماعی و روانشناختی به وجود می آورد. همچنین آنها فاقد توانمندیهای لازم مهارتها و دانش اساسی برای شرکت توانمندانه در تکنولوژی پیشرفته در جامعه هستند. فرار از مدرسه مساله ای تنش زا برای کودکان خانواده و کارکنان مدرسه می باشد. نرفتن به مدرسه و یا فرار از آن آثار هیجانی و آموزشی مهمی به طور بلندمدت و کوتاه مدت بر روی کودکان می گذارد. لذا با توجه به اهمیت موضوع این پژوهش با هدف بررسی عوامل موثر بر فرار از مدرسه دانش آموزان مدارس با روش توصیفی - تحلیلی و با جمع آوری اطلاعات از طریق بررسی کتب، مقالات و پایان نامه ها، مراجعه به کتابخانه، مراکز پژوهشی و اینترنت صورت پذیرفت.

کلید واژه: فرار، مدرسه گریزی، انگیزش، خانواده، غیبت، هراس

مقدمه

مدرسه گریزی پدیده ای است که در اجتماع رخ می دهد و عوامل متفاوتی در به وجود آوردن آن نقش دارند که قبل از هر اقدام پیشگیرانه و درمانی شناخت آن عوامل لازم و ضروری است. این مشکل علاوه بر اینکه از نظر اقتصادی و مالی هزینه سنگینی را بر جامعه تحمیل می کند مشکلاتی را هم برای خانواده، جامعه و خود دانش آموز به بار می آورد. مدرسه گریزی مقدمه ای است برای ورود به گروههای ضد اجتماعی و نابهنجار و علاوه بر این زمینه را برای حرکت به سمت بزهکاری در نوجوانان فراهم می کند. خانواده به طور گسترده ای درگیر این مشکل شده و از نظر روانی عاطفی صدمات زیادی خواهد دید. بنابراین با توجه به نتایج و عوارضی که این پدیده به بار می آورد لازم است که با آن به طور ریشه ای برخورد شود. همان طور که اشاره شد مدرسه گریزی یک مشکل رفتاری است که علاوه بر اینکه برای فرد خانواده و مدرسه مشکلات عدیده ای به بار می آورد. یک مسأله و مشکل اجتماعی نیز می باشد که جامعه را نیز تحت تأثیر قرار می دهد و بنابراین در بحث از ضرورت و اهمیت آن باید به پیامدهای فردی، خانوادگی، اجتماعی، اقتصادی و روانی توجه شود. این مشکل به عنوان سدی در مقابل بروز و شکوفایی استعداد آنها قرار می گیرد همچنین بسیاری از رفتارهای نابهنجار را نیز در پی خواهد داشت. از آنجا که جامعه را افراد، ارتباطات و قوانین اجتماعی شکل می دهند. لذا جامعه ی سالم نیازمند داشتن افرادی بهنجار به عنوان اعضاء جامعه می باشد. در بعد خانوادگی و اجتماعی این پدیده عوارض ناگواری را در پی خواهد داشت. سهل انگاری والدین، مدرسه، مسئولان از نظر شناخت دقیق و همه جنبه پدیده مدرسه گریزی علاوه برافت تحصیلی منجر به اعمال بزهکارانه



در سطح جامعه شده و عواقب و تبعات خاص خود را به دنبال خواهد داشت به هر حال بدون بررسی دقیق و شناخت واقعی از عوامل گوناگون مؤثر بر مدرسه گریزی، صدمات غیر قابل جبرانی بر ساختار اجتماع خانواده و فرد وارد می شود و علاوه بر صرف هزینه های بسیار زیاد و هدر رفتن آنها در بعد آموزشی برای درمان این پدیده نیز باید بهای سنگینی پرداخته شود. (فتحي، ۱۳۸۸) لذا هر جامعه ای با جوامع دیگر متفاوت است. با توجه به اینکه مشکل تا حدودی وابسته و متأثر از فرهنگ، بافت و بوم هر کشوری می باشد و با توجه به شیوع و شدت مدرسه گریزی و ارتباط با فرار از خانه، بزهکاری و نبود تحقیقات کافی در این زمینه بررسی علل آن ضرورت پیدا می کند.

مبانی نظری

تعریف فرار از مدرسه

فرار که به زبان انگلیسی (Run-away) می باشد، عبارت است از شانه خالی کردن از زیر بار مسئولیت در شرایط نامطلوب و یافتن اوقات بیشتر، این فرار گاهی به خاطر این هدف است که شرایط سخت زندگی، اجازه اطلاق موجود انسانی را به کسی نمی دهد (سوو^۱)، ۱۹۶۱ به نقل از افتخاریان (۱۳۹۰) بر اساس طبقه بندی DSM، فرار جزء اختلالات شدید رفتاری به حساب آمده که نه به دلیل ماهیت آن بلکه به دلیل فراهم آوردن مسائل و مشکلات فراوانی است که برای فرد و اجتماع به دنبال دارد (افتخاریان، ۱۳۹۰) فرار بخشی از رفتار ناسازگارانه ای است که کودکان و نوجوانان مرتکب می شوند که ابتدا برای رفع نیازهای عادی خود با بر پا کردن اوقات فراغت و سپس به اعمال ناهنجار دیگر از قبیل دزدی و ولگردی روی می آورند. از همه مهمتر با یافتن افراد همسن و سال خود در پارک ها و کوچه و خیابان ها به تشکیل گروههای بزهکاری مبادرت می ورزند. بعضی از افراد در مواجهه با موقعیت های ناراحت کننده و شکست زا آسان ترین راه را که عقب نشینی یا فرار است انتخاب می کنند. اصل فرار یک شیوه ی نادرست رفتاری در قبال مشکلات است، حالا این می خواهد فرار از مدرسه یا فرار از خانواده باشد در واقع مکانیزم روانی منفی است.

فرار از مدرسه حالتی است که کودک سالم بدون عذر موجه از حضور در مدرسه خودداری کند و غیبت او غیر قانونی یا غیر موجه شناخته شود. صاحب نظران این عمل را غفلت در انجام وظیفه و یک رفتار ضد اجتماعی تلقی می کنند. (افتخاریان، ۱۳۹۰) گلزاری (۱۳۸۲) به نقل از حسینی و همکاران (۱۴۰۲) فرار از مدرسه را این طور تعریف می کند: غیبت غیر موجه از مدرسه که معمولاً بدون آگاهی و رضایت پدر و مادر صورت می گیرد و ناشی از اضطراب شدید از حضور در مدرسه (مدرسه هراسی) نمی باشد. رینولدز^۲ و مارگاتروید^۳ (۱۹۷۷) به نقل از زانگ^۴، (۲۰۰۳) کودکی را که به هر دلیل از مدرسه غیبت کند را به عنوان مدرسه گریز طبقه بندی می کنند.

به گفته ی ویلیامز^۵ (۱۹۸۸)، به نقل از افتخاریان، (۱۳۹۰) مدرسه گریزی عبارت است از غیبت ناموجه از مدرسه که معمولاً بدون آگاهی والدین صورت می گیرد و مدرسه گریزی پایدار ممکن است اختلال رفتاری محسوب شود.

مدرسه گریزی عبارت است از فرار از مدرسه بدون اجازه والدین و اولیای مدرسه (کان^۶ و همکاران نقل از حیدری و همکاران، ۱۳۹۷) رید^۷ (۲۰۰۰) مدرسه گریزی عبارت است از فرار پیوسته، خوش گذرانی، پرهیز از درسهای رسمی و انجام دادن آن چیزی که شخص بیشتر دوست دارد انجام بدهد تا اینکه در کلاس درس بشیند و درس بخواند.

زانگ (۲۰۰۳) به نقل از افتخاریان، (۱۳۹۰) مدرسه گریز را فردی می داند که بدون اجازه والدین از مدرسه غایب می شود.

ارفیلد^۸ (۲۰۰۴)، مدرسه گریز را دانش آموزی می داند که در مدرسه ثبت نام شده است اما مشخص می شود مدت زمانی را که طبق قانون باید در مدرسه باشد حضور ندارد.

¹ Souvea

² Reynolds

³ Margatroyd

⁴ Zhang

⁵ Williams

⁶ Kahn

⁷ Reid



با بررسی آثار و نوشته های موجود درباره مدرسه گریزی متوجه می شویم که برای مدرسه گریزی یک توصیف کلی و جامع مطرح نشده است بلکه همواره برای توصیف آن از انواع و دسته های مختلف استفاده شده است که هر یک از این انواع و دسته ها می توان به یک توجیه صحیح از مشکل دست یافت و یک دستور العمل صحیح درباره مداخلات ضروری در این مورد ارائه داد. بنابراین با توجه به این موضوع اکنون انواع و دسته های مدرسه گریزی و تفاوت بین مدرسه گریزی و هراس از مدرسه بررسی می گردد.

انواع و دسته های مدرسه گریزی:

بنا به اظهارات رید (۲۰۰۰) حداقل سه نوع از مدرسه گریزی وجود دارد:

- * غیبت از پاره ای از کلاسهای خاص: این گروه شامل دانش آموزانی است که کلاسهای خاصی مانند ریاضیات، انگلیسی و آموزشی و ورزشی غیبت می کنند.
- * فرار از کلاسهای ثبت نام شده: این گروه شامل دانش آموزانی هستند که در کلاس ثبت نام می کنند و در کلاس نیز حاضر می شوند اما سپس آن را ترک می کنند و از آن نیز فرار می کنند.
- * مدرسه گریزی با چشم پوشی والدین: این گروه نیز شامل دانش آموزانی هستند که با اطلاع والدینشان از مدرسه فرار می کنند. به این معنا که والدینشان به آنها اجازه می دهند که مدرسه را به دلایل مختلف ترک کنند.

علاوه بر موارد مطرح شده در بالا رید (۲۰۰۰) معتقد است که چهار طبقه از مدرسه گریزی وجود دارد:

- سنتی، روان شناختی، آموزشی، عمومی
- * در مدرسه گریزی سنتی، دانش آموزان اغلب خجالتی بوده و از خودپنداره پایینی برخوردار است. واز فضاهای ناآشنا و استرس زا دوری می کند. بنابراین در این نوع از مدرسه گریزی مهمترین عاملی که منجر به گریز دانش آموز از مدرسه می شود برخورداری بودن از یک سری محدودیتها و مشکلات معاشرتی و اجتماعی است. محدودیتهایی که از درون فرد سرچشمه می گیرند و باعث امتناع وی از رفتن به مدرسه می شوند.
- * مدرسه گریزی روان شناختی اغلب به طور خاص با نشانه هایی از قبیل تنبلی، سستی، بیماری، ترس از کسی یا چیزی و یا دیگر مسائل نشان داده می شود. بنابراین در این نوع مدرسه گریزی دانش آموز به دلیل مسائل هیجانی و انگیزشی از مدرسه فرار می کند.
- * منظور از مدرسه گریزان آموزشی اغلب سرده ها هستند. آنها در گروه همسالان خود به عنوان رهبر و سرده گروه ایفای نقش می کنند و عموماً غیبت جسمانی از مدرسه ندارند بلکه بیشتر به قلدر بازی و آزار و اذیت مشغول هستند مدرسه گریزانی از این نوع عموماً به خاطر وجود دلایلی که مربوط به مدرسه هستند یا به عبارتی عوامل درون مدرسه ای از مدرسه فرار می کنند.
- * دسته آخر مدرسه گریزان عمومی هستند که اغلب به صورت تصادفی و به دلایل مختلف از مدرسه فرار می کنند و بسیاری از نشانه های مدرسه گریزان که در طبقه های دیگر وجود دارد در این طبقه نیز وجود دارد. (منصوری رضی، ۱۳۸۸)

تفاوت مدرسه گریزی و هراس از مدرسه

در زمینه تفاوت بین مدرسه گریزی و هراس از مدرسه می توان گفت که تمایز قابل ملاحظه ای در بین مدرسه گریزی و مدرسه هراسی وجود دارد. مدرسه هراسی لغتی است که امروزه بیشتر رایج است؛ هر چند مدرسه گریزها خودشان انتخاب میکنند که به مدرسه نروند اما در مقابل مدرسه هراسها ممکن است میل به حضور در مدرسه را داشته باشند اما به این نتیجه برسند که از رفتن به مدرسه ناتوان هستند از این رو به میزان قابل توجهی تفاوت بین این دو گروه بر محور اراده استوار است (کرنی و آلیانو^۸، ۲۰۰۶) مدرسه گریزی مانند انواع دیگر رفتارهای خارج از عرف اغلب با بزهکاری و رفتارهای مخرب همراه است. در حالیکه مدرسه هراسی به عنوان نوعی از اختلالات نوروتیک که با ترس و اضطراب همراه است تلقی می شود. این تمایز پیچیده است زیرا بعضی نویسندگان همه کسانی را که از رفتن به مدرسه امتناع می کنند، چه مدرسه گریزها و چه مدرسه هراسها را در یک زیر مجموعه و در زمره امتناع کنندگان از مدرسه قرار می دهند.

⁸ Orfield

⁹ Kearney & Albano



در تمایز مدرسه هراسی از مدرسه گریزی بلاگ^{۱۰} (۱۹۷۹) ذکر می کند که مدرسه گریزانی که مدرسه را دوست ندارند و مدرسه هراسانی که مدرسه را دوست دارند از ویژگیهای متفاوتی پیروی می کنند. به عقیده وی مدرسه هراسها دارای ویژگیهای زیر هستند. مشکلات شدید حضور در مدرسه اغلب از طریق غیبت های طولانی حالات هیجانی شدید که ممکن است شامل نشانه های ترس مفرط، قشقرق راه انداختن، درماندگی یا شکایت از بیماری بدون دلیل جسمی قابل مشاهده، حتی هنگامیکه از کودک انتظار می رود به مدرسه برود. در طول زمان مدرسه کودک با آگاهی پدر و مادر در منزل باقی می ماند. نداشتن اختلالات ضد اجتماعی قابل توجه مانند بزهکاری نوجوانی یا رفتارهای مخرب و جنسی در مقابل مدرسه گریزها بیشتر به صورت پراکنده در مدرسه حضور دارند. آنها به طور معمول ترس یا اضطراب زیادی در مورد مدرسه ندارند آنها معمولاً در مورد مشکلات نیز شکایتی ندارند. اغلب غیبت خود را از والدینشان می پوشانند.

در یک مطالعه تطبیقی میان مدرسه هراسها و مدرسه گریزها گزارشهای والدین دلالت بر این دارد که مدرسه گریزها بیشتر تحت تأثیر همسالان قرار می گیرند و سابقه بیشتری در دروغگویی، دزدی و پرده زدن در ساعات مدرسه که خارج از خانه هستند، در مقابل امتناع کنندگان از مدرسه علاقه به مطالب درسی دارند و اضطراب زیادی در مورد اینکه در نظر والدین خود خوب باشند دارند و از ترک خانه اکراه دارند. به هر حال اگر چه این گروه تفاوت قابل توجهی در روابط با همسالان ندارند اما مشکلات خوردن، خوابیدن و تا حدی شب ادراکی زیاد است. (کرنی و آلبانو، ۲۰۰۶)

به طور کلی غیبت مکرر دانش آموز از مدرسه بدون اطلاع خانواده و عذر موجه، فرار از مدرسه محسوب می شود. بدین معنا که دانش آموز از نظر خانواده به مدرسه می رود ولی در عمل به جای رفتن به مدرسه وقت خود را طور دیگر می گذرانند. (منصوری رضی، ۱۳۸۸)

روش تحقیق

روش تحقیق توصیفی - تحلیلی است و جمع آوری اطلاعات از طریق بررسی کتب، مقالات و پایان نامه ها، از طریق مراجعه به کتابخانه، مراکز پژوهشی و اینترنت انجام شده و سپس پردازش داده ها و اطلاعات گردآوری شده با استفاده بهینه، استدلالی و عقلی برای ارائه مطالب و نتایج پژوهش مرتبط مورد توجه قرار گرفته است.

بحث درباره یافته ها

با مطالعه ادبیات تحقیق چندین عامل مؤثر بر مدرسه گریزی مورد بررسی و کنکاش قرار گرفت که در ذیل بطور مفصل به آنها پرداخته می شود:

نخستین عامل انگیزش و علاقه ی تحصیلی است. انگیزش حالتی است درونی که سبب هدایت رفتار ارگانیزم به سوی هدف می گردد. لذا شرط موفقیت در هر امری بستگی مستقیم به انگیزه ی افراد دارد، اگر ارگانیزم انسانی از این امر تهی باشد نمی توان فقط با مشوق های محیطی او را پای بند به امور نمود، زیرا فرد به طور خودبه خود تمایلی به انجام عملی که از او خواسته شده ندارد.

در امر برانگیختگی فرض بر آن است که انگیزه های بیرونی و درونی با هم وارد عمل شوند، به ویژه برای افرادی که در این زمینه دچار مشکل هستند؛ ولی اگر هیچ یک موجود نباشد، موجود انسانی به شیء ای تهی تبدیل می شود که قدرت شروع و یا اتمام هیچ عملی را ندارد و در مدت زمان اندک ممکن است به اعمال متفاوتی بپردازد بدون آن که قصد و منظوری در کار باشد و در نهایت به ترک آن عمل متوسل شود. در ارتباط با این مشکل، وود^{۱۱} و دیگران (۲۰۰۳) در تحقیقی که انجام داده اند، معتقدند که ۲ تا ۳ درصد کودکان و نوجوانان مدرسه گریز دارای مشکلات انطباقی و یا سازشی از نظر مقررات مدرسه می باشند و نیاز به این است که مدارس از برنامه هایی ویژه و درازمدت جهت ایجاد انگیزه در دانش آموزان برخوردار باشند.

اگر میزان انگیزه و علاقه ی تحصیلی دانش آموزان ضعیف باشد، دائم دچار انزجار و تنفر از مدرسه خواهند بود و به رفتارهای گریز از مدرسه متوسل می شوند.

¹⁰ Blagg

¹¹ Wood



عامل اثرگذار دیگر بر مدرسه‌گریزی تأثیر هم‌سالان است که تقلید از دوستان و همتایان تعریف شده است.

دانش‌آموز مدرسه‌گریز کمتر به گروه هم‌سالان خود اعتماد دارد و در این برهه سعی دارد تا به‌تنهایی مشکلات شخصی، تحصیلی و اجتماعی خود را حل کند و کمتر هم‌سالان خود را به عنوان الگو می‌پذیرد. شاید هم به خاطر شیوه‌های خاص تربیتی موجود در خانواده‌ها است که والدین میزان ارتباط فرزند خود را کنترل می‌کنند و تلاش می‌کنند که فرزندان شان طبق هنجارهای آنان رفتار نماید. دانش‌آموز هم در اعتراض به این شیوه‌ی تربیتی، از طریق غیرمستقیم به مقابله با خانواده می‌پردازد و به شکل‌های گوناگون مخالفت خود را نشان می‌دهد؛ از جمله مدرسه‌گریزی، از طریق تعارض، یا حضور در مدرسه و عدم حضور در کلاس، و یا با عدم حضور در مدرسه و وقت‌گذرانی در پارک‌ها یا خیابانها. (حسن زاده، ۱۴۰۲)

این مورد نیز به نوبه‌ی خود قابل بحث است که چرا دانش‌آموز امروزی، با وجود دوستان هم‌سال، تنهایی و انزوا را انتخاب می‌کند و سرانجام به رفتارهای اجتنابی متوسل می‌شود. بر اساس دیدگاه رفتارگرایی می‌توان این گونه تفسیر نمود که این رفتار، رفتاری یادگرفته‌شده است و دانش‌آموزان مدرسه‌گریز با توسل به این رفتارها تقویت دریافت می‌کنند و خود را از سرزنش و یا اجرای مقررات خشک مدارس محفوظ نگه می‌دارند.

همچنین با گذشت زمان و کوچک‌تر شدن دامنه‌ی خانواده‌ها و کم شدن میزان ارتباط آنها با یکدیگر، فرزندان نیز به پیروی از والدین خود، دامنه‌ی ارتباط خود را محدود می‌کنند و سعی دارند که بیشتر اوقات را با اعضای خانواده‌ی خود بگذرانند.

به دنبال این پدیده، می‌توان به مشکلی دیگر اشاره نمود و آن نقص در کسب مهارت‌های اجتماعی است. یعنی هر قدر میزان ارتباطات بین نسلی ضعیف‌تر باشد و میزان تعامل افراد به حداقل برسد، شاهد بروز مشکلات روانی و رفتاری بیشتری خواهیم بود. مشکلاتی هم‌چون افسردگی و اضطراب که افراد احساس بی‌پناهی و درماندگی می‌کنند و دائم نگران این هستند که اگر اتفاقی بیفتد از کمک چه کسانی می‌توانند بهره‌مند شوند و برای رهایی از این قبیل افکار به رفتارهای گریز و اجتناب متوسل می‌شوند. (افتخاریان، ۱۳۹۰)

دیگر عامل مؤثر و پیش‌بینی‌کننده‌ی رفتار مدرسه‌گریزی کشمکش و روابط معیوب عاطفی خانواده است که با زد و خورد اعضای خانواده، فقدان والدین و جدایی والدین تعریف شده است. با توجه به یافته‌های تحقیق می‌توان اظهار داشت هر چه بیشتر میزان روابط معیوب و مختل باشد، رفتار مدرسه‌گریزی نیز افزایش می‌یابد. دانش‌آموز نهایت استفاده را از این شرایط می‌برد و به‌راحتی قدرت توجیه این مسئله را پیدا می‌کند و از نظر میزان مسئولیت‌پذیری خود را در حداقل شرایط قرار می‌دهد. وی والدین را مجرمین این پدیده معرفی می‌کند که شاید تا اندازه‌ای هم استدلال او درست باشد، زیرا والدین اولین الگوی همانندسازی فرزندان اند. وقتی دانش‌آموز در همانندسازی با الگوی در دسترس دچار مشکل و تناقض باشد، ناخواسته به رفتارهای انحرافی متوسل می‌شود که یکی از این رفتارها، مدرسه‌گریزی است؛ زیرا دانش‌آموز با حضور در مدرسه احساس ناامنی می‌کند، همیشه نگران اوضاع خانواده است که نکند در غیاب او اتفاقی برای والدین بیفتد. پس سعی می‌کند حداقل حضور را در مدرسه داشته‌باشد تا از این طریق به کنترل وضعیت خانواده بپردازد.

بر طبق دیدگاه اجتماعی و بر اساس نظریات علیت اجتماعی، مدارس ضعیف، مسکن نامناسب، خانواده‌ی ناهنجار و طبقه‌ی اقتصادی-اجتماعی پایین از عوامل ایجادکننده‌ی رفتارهای ناهنجار هستند و این رفتارها ناشی از نقص نظام‌های حمایت اجتماعی است. منظور از فضای عاطفی-روانی خانواده، مجموعه‌ای است از روابط و تعاملات بین اعضای خانواده. افراط و تفریط در زمینه‌هایی هم‌چون پذیرش، توجه و مراقبت، آزادی، توقع و انتظار سبب مشکلات رفتاری فرزندان خواهد شد. (افتخاریان، ۱۳۹۰)

عامل اثرگذار دیگری که پیش‌بینی‌کننده‌ی رفتار مدرسه‌گریزی است نگرش نسبت به مدرسه می‌باشد که طبق تعریف عبارت است از ارزشیابی‌های مثبت-منفی و تمایل یا عدم تمایل نسبت به یک موضوع، و آمادگی ذهنی که سبب واکنش مثبت و منفی نسبت به مدرسه می‌گردد.

با توجه به نتایج تحقیق می‌توان گفت که دانش‌آموزان مدرسه‌گریز برداشت و تلقی‌شان از مدرسه منفی و محیط مدرسه برایشان ناخوشایند است. برداشت آنان از تحصیل، تحت تأثیر ذهنیتی منفی است که خود نتیجه‌ی شناخت نادرست می‌باشد. (حسن زاده، ۱۴۰۲)



یکی از معضلات جامعه ی کنونی این است که تحصیل باید همراه با موفقیت اجتماعی بالا و درآمد سطح بالا باشد، ولی در عمل این نگرش با تناقضی مواجه شده که کمی درآمد و شاید بیکاری افراد تحصیل کرده است. به همین دلیل دانش آموزان مدارس، به طور کلیشه ای به این طرز فکر متوسل می شوند که بیهوده ترین کار، تحصیل و صرف وقت در مدرسه و دانشگاه است، ناآگاهانه به راهکاری موقتی و مخرب (فرار از مدرسه) متوسل می شوند تا از این طریق به ارضای نیازهای آنی خود بپردازند. بنابراین، جا دارد که معلمین و سایر دست اندرکاران امر تعلیم و تربیت این بینش و نگرش را در بین آنان ترویج نمایند که تحصیل لزوماً منجر به شغل نمی شود، بلکه بهترین تحصیل آن است که در عمل جلوه کند و بر رفتار و شخصیت فرد تأثیر بگذارد، بینش و آگاهی او را بالا ببرد، او را شهروندی مطلوب و مؤثر بار آورد و روحیه و ذوق زیباشناسی را در او تقویت نماید. بهتر است افراد در کنار تحصیل به یادگیری عملی و فنی هم بپردازند تا از این طریق، هم به بهبود وضعیت مالی خود بپردازند و هم این که در کل جامعه به فردی پویا و فعال تبدیل شوند.

یکی از وظایف مهم و خطیر والدین و دست اندرکاران تعلیم و تربیت توجه به این نکته است که هیچ کودکی متدین، آزاداندیش و با نگرش مثبت یا منفی متولد نمی شود، بلکه نگرش، نوع باور فرد است که در اثر زندگی اجتماعی شکل می گیرد. شکل گیری نگرشها ممکن است تحت شرایط شرطی شدن، یادگیری اجتماعی و سرمشق گیری صورت پذیرد. (حسینی و همکاران، ۱۴۰۲)

عامل مؤثر و پیش بینی کننده ی دیگر در رفتار مدرسه گریزی میزان رسیدگی والدین به امور تحصیلی فرزندان است.

خیر (۱۳۶۵) به نقل از سیف و شعاع کاظمی، (۱۳۸۲) ابراز می دارد که میزان توجه و اهمیتی که والدین به امور تحصیلی فرزندان از خود نشان می دهند، در میزان توجه فرزندان به تحصیل بسیار مؤثر است اگر والدین با علاقمندی کامل و واقعی به تحصیل فرزندان نشان توجه داشته و رسیدگی کنند در این صورت تحصیل برای آنها طولانی و خسته کننده جلوه نمی کند و مدرسه برای آنها محیط جالبی خواهد شد که منجر به نگرش مثبت در دانش آموزان برای تحصیل خواهد گردید. حضور یا عدم حضور یکی از والدین در محیط خانوادگی نیز در موفقیت تحصیلی علاقه فرزندان تأثیر داشته است بدین معنا که درصد عدم حضور یکی از والدین در بین دانش آموزان ناموفق بیشتر بوده است.

مطالعات پژوهشی نشان می دهند که خانواده نقش کلیدی و پویایی را در غیبت از مدرسه یا فرار از مدرسه ایفا میکند هنگامی که والدین در امر آموزش کودک شرکت می کنند به عبارتی نظارت بر تکلیف توانایی خواندن و نمرات دارند احتمال مدرسه گریزی کاهش پیدا می کند. (ایستین و شلدون^{۱۲} ۲۰۰۲ به نقل از حیدری و همکاران، ۱۳۹۷).

آخرین عامل مؤثر و پیش بینی کننده ی رفتار مدرسه گریزی میزان اضطراب و افسردگی دانش آموزان است. این متغیر تحت عنوان حالی روانی که احساس غمگینی، تنهایی، ناامیدی، ضعف عزت نفس و تقبیح خود را به همراه دارد تعریف شده است. از علائم محرز این متغیر انزوا، بی خوابی و بی اشتها می باشد. اضطراب نیز به عنوان احساسی رنج آور تعریف شده است که با انتظار خطری از شیء ای نامعین همراه است.

بر اساس دیدگاه روان پویایی می توان گفت که هر قدر میزان تعارض ناهشیار فرد بیشتر باشد میزان آسیب پذیری او نیز بیشتر خواهد بود که نتیجه ی این حالات اضطراب می باشد.

بر اساس مشکل افسردگی، دانش آموزانی که مجبورند سر کلاس درس بی سروصدا و بی حرکت باشند و تنها، تکالیفی را که به آنها داده می شود انجام دهند، تکالیفی که مبهم و بیهوده بوده و ارتباطی با نیازهای زندگی شان نداشته باشد، در جریان تعلیم و تربیت به موجوداتی منفعل تبدیل می شوند که مجبورند به رفتارهای کلیشه ای و قالبی بپردازند، به همین دلیل انگیزه ی خود را برای تحصیل و فعالیت از دست داده و در نتیجه به افسردگی مبتلا می شوند و جهت رهایی از مشکل افسردگی و اضطراب به رفتار مدرسه گریزی می پردازند که در این زمینه ممکن است به ناراحتی های روان تنی نیز منجر گردد. (سیف و شعاع کاظمی، ۱۳۸۲)

کاپلان و سادوک^{۱۳} (۱۹۹۴) به نقل از سیف و شعاع کاظمی، (۱۳۸۲) معتقدند که عملکرد تحصیلی ضعیف، سوءاستفاده از مواد مخدر، رفتار ضد اجتماعی، بی مبالایی جنسی و فرار از مدرسه و منزل، از علائم افسردگی در نوجوانی است.

¹² Eastin and Sheldon

¹³ Kaplan and Zadok



وضعیت اقتصادی- اجتماعی خانواده نیز بر غیبت دانش آموزان مؤثر است. برخورداری نبودن از رفاه نسبی و امکانات رفاهی نیز از عللی هستند که سبب غیبت و در نتیجه فرار دانش آموزان از مدرسه می گردد. فقر، بی گمان به وجود آورنده سختیها و ناملایماتهایی است که اگر نتوان در برابر آنها مبارزه کرد، خواه ناخواه انسان را به زانو در می آورد. بیشتر محرومیت ها و برآورده نشدن تمایلات، که باعث عدم اطمینان اجتماعی می شود، متکی به عامل فقر است و نمی توان آن را نادیده گرفت.

افرادی که در محله های پرجمعیت شهرهای بزرگ زندگی می کنند، با شرایط اجتماعی و اقتصادی سختی روبرو بوده مشکلات عدیده ای را به دوش می کشند. زندگی برای کودکان، در چنین شرایطی مانند زندانی است که هیچ راه گریزی بر آن متصور نیست. انبوهی و تراکم جمعیت که از ویژگیهای محله ها و زاعه ها است، موجب می شود تا فرد نتواند در زندگی داخلی و خصوصی خود مسائل و مشکلات شخصی را بروز دهد، ناچار آن را از دیگران پنهان می دارد. از این رو سرقت، فحشاء، اعتیاد و دیگر آسیبهای اجتماعی که به طور عجیبی در مکانهای شلوغ و فقیرنشین شهری رواج دارد، از بین نخواهد رفت، مگر اینکه شرایط و عوامل اقتصادی و اجتماعی که موجب پیدایی این مسائل شده، دگرگون شود و از بین برود. (حسن زاده، ۱۴۰۲)

وقتی خانواده ای دارای وضعیت بد اقتصادی باشد و توانایی ارضای نیاز افراد خانواده را نداشته باشد مسلماً جوانان برای ارضای نیاز خود دست به هر کاری خواهند زد و از طرفی چون جوان بیکار است و از طرفی نیاز به تأمین حوائج خود دارد بنابراین ممکن است به انحراف و گمراهی کشیده شود.

شرایط و موقعیت غیرمرفه، فقر اقتصادی و فرهنگی برای سازگاری مطلوب فرد زمینه هایی نامساعد و شرایطی نامطلوب ایجاد می کند. اگر فقر مادی در خانواده باشد و والدین نتوانند نیازهای فرزند خود را برآورده سازند دانش آموز مدتی این وضع را تحمل کرده و سپس برای تأمین نیازهایش مجبور است کار کند و چون وقت درس خواندن ندارد، به ناچار غیبت از مدرسه را ترجیح می دهد و فرار خواه ناخواه با دروغگویی همراه خواهد بود. بعضی از این افراد ماهرانه دروغگو هستند و طوری وانمود می کنند که از مدرسه غیبت نداشته اند. این افراد در جریان پرسه زدن در خیابانها به علت گرسنگی از مغازه و اغذیه فروشیها دزدی می کنند و در دزدی های دسته جمعی و فحشا نیز این افراد مشاهده شده اند (حیدری و همکاران، ۱۳۹۷)

زانگ (۲۰۰۳) رابطه غیبت از مدرسه و فقر را بررسی کرده است. یافته هایش نشان داد که غیبت از مدرسه به طور معناداری با فقر همبسته است و وضعیت اقتصادی پایین و محرومیت شغلی در شاگردان مدرسه ابتدایی بیشتر تأثیرگذار است تا مدارس متوسطه (مروتی، ۱۳۸۵)

برخی از مکانیسم های سببی، عوامل اقتصادی را در بروز مشکلات رفتاری کودکان و نوجوانان مورد توجه قرار داده اند. عوامل اقتصادی با تأثیر بر والدین، رفتار کودکان را متأثر می سازد. شرایط اقتصادی، میزان درآمد سرانه و بی ثباتی در شغل، رفتارها و حالت هیجانی والدین را تحت تأثیر قرار می دهد. فشارهای اقتصادی با افسردگی و تغییر در خلق و خو هر دو والد همراه است. این فشارها با تغییرات عاطفی منفی که در زوجین ایجاد می نمایند، سبب بروز کشمکش و از هم گسیختگی خانوادگی می شود. هیجانها و رفتارهای والدین تقریباً به طور یکسان به وسیله مشکلات مالی تحت تأثیر قرار می گیرد.

به طور کلی حالت خلقی و عاطفی والدین از مشکلات اقتصادی تأثیر می پذیرد. مشکلات معیشتی و متعاقب آن حالت عاطفی منفی به عنوان مکانیسم هایی محسوب می شوند که با تأثیرگذاری منفی بر روابط اعضای خانواده، بروز کشمکش ها و تعارض های خانوادگی را موجب می گردند. اثرگذاری این کشمکش ها بر شیوه های فرزند پروری، مشارکت فعال والدین را در تربیت فرزندان کاهش می دهد و سبب بروز مشکلات رفتاری و ناسازگاری در کودکان و نوجوانان می شوند. (حسینی و همکاران، ۱۴۰۲)

نتیجه گیری

با توجه به یافته های تحقیق حاضر و سایر تحقیقات صورت گرفته می توان نتیجه گرفت که عوامل مدرسه گریزی در چند طبقه ی عمده جای دارد:

۱ - طبقه ی خانواده که دربرگیرنده ی کشمکش ها و روابط معیوب عاطفی خانواده، و عدم نظارت و رسیدگی بر امور فرزندان و وضعیت اقتصادی- اجتماعی خانواده است. اکثر پژوهش ها این مورد را تأیید نمودند و همگی در یک جهت قرار داشتند.



۲- عوامل درون مدرسه شامل قوانین حاکم بر مدرسه، محتوای درس‌ها، روابط معلم و شاگرد و نوع برخورد کارکنان مدرسه با دانش‌آموزان، که همه ی تحقیقات به نتایج مشابهی در این زمینه دست یافتند؛ پس می‌توان گفت که پیش‌بینی‌کننده‌ی مناسبی برای رفتار مدرسه‌گریزی است.

۳- نگرش، باور و علائق شخصی و انگیزه ی تحصیلی که تأثیر عمده ای بر عملکرد دانش‌آموزان دارد. این موارد نیز، همه توسط تحقیقات به اثبات رسیده است.

۴- مشکلات شخصی شامل افسردگی و اضطراب که عملکرد تحصیلی و رفتاری فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد و تقریباً دارای رتبه ی بالایی در تعیین رفتار مدرسه‌گریزی می‌باشد.

همچنین پیامدهای کوتاه مدت و بلند مدت مدرسه‌گریزی عبارتند از:

نتایج کوتاه مدت مدرسه‌گریزی، اول از همه اختلال یا رها کردن تحصیل است. گرفتاری‌های عاطفی، دردهای جسمانی، اختلافات خانوادگی، روابط دوستانه نامناسب، عملکرد ضعیف آکادمیک، امکان شکست بعضی از نتایج سریع مربوط به مدرسه‌گریزی را توصیف می‌کند. کاهش موفقیت تأثیرات دیگری را بوجود می‌آورد مانند افزایش عقب ماندگی، کاهش اعتماد به نفس، نمرات پایین، کاهش اعتماد به نفس، کاهش فرصت‌ها در آینده

نتایج طولانی مدت مربوط به مدرسه‌گریزی شامل مشکلات اضطراب، افسردگی، بی میلی دانش‌آموزان به رفتن به مدرسه می‌باشد. افزایش خطر بیماری‌های روانی، اختلالات اجتماعی همچنین مربوط به مدرسه‌گریزی می‌باشد.

از اینرو در هر جامعه‌ای اصلاح مدرسه‌گریزی قبل از آنکه به یک مشکل جدی تبدیل شود از اهمیت خاصی برخوردار است. هماهنگی و پیوند مدارس محاکم قضایی خانواده و به طور کلی اجتماع در این مورد ضروری است. مدرسه‌گریزی قابل اصلاح کردن است بخصوص در مورد دانش‌آموزانی که جوانتر هستند و همچنین دانش‌آموزانی که بایستی به آنها سریعاً توجه شود. مجازات به تنهایی برای برگرداندن دانش‌آموزان به کلاس درس کافی نیست زیرا آن به درستی نمی‌توانند علت مشکل را بیابد. بلکه ترکیب مجموعه ای از حمایتها، تنبیه‌ها و پاداشها می‌تواند مدرسه‌گریزی را کاهش دهد و برای فرد دانش‌آموزان و کل جامعه مفید باشد.

پیشنهاده‌ها

۱- برای ایجاد انگیزه در دانش‌آموزان، بهتر است ساعاتی در طول هفته، نزدیک به ۲ ساعت، تحت عنوان بحث آزاد در نظر گرفته‌شود و از معلم یا مشاوره‌ی که مورد اعتماد دانش‌آموزان است برای اداره ی کلاس استفاده نمود. معلم مذکور باید از اصول و فنون مشاوره تا اندازه یی مطلع باشد تا از این طریق بتواند رهبری گروه را عهده دار باشد. اگر دانش‌آموزان در چنین کلاس‌هایی به تخلیه ی خود بپردازند، دیگر ضرورتی برای فرار از مدرسه نمی‌بینند.

۲- دانش‌آموزان مشکل‌دار مدارس نباید به عنوان افرادی شاخص و برچسب‌خورده معرفی شوند. در برخورد با آنان باید جانب احتیاط را رعایت نمود و در بررسی مشکلات انضباطی نباید آنان را بعنوان افراد مطرح مورد بررسی قرار داد.

۳- برای کنترل اضطراب دانش‌آموزان باید شیوه‌های مقابله با اضطراب را به آنها آموزش داد. به نظر می‌رسد برای حل این مشکل بهتر است فرآیند حل مسئله را گاهگاهی با استفاده از مشکلات خودشان مورد بررسی قرار داد.

منابع

افتخاریان، حاتم. (۱۳۹۰). بررسی میزان و عوامل رفتار گریز از مدرسه در دانش‌آموزان مقطع ابتدایی شهرستان بوکان در سال تحصیلی

۸۹-۹۰، پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی

حسن زاده، ریحانه، (۱۴۰۲)، بررسی دلایل مدرسه‌گریزی در بین دانش‌آموزان، پنجمین همایش ملی پژوهش‌های حرفه‌ای در روانشناسی و مشاوره با رویکرد از نگاه معلم

حسینی، سیدمحمد هادی؛ اکبرپور، مریم؛ صالحی، مسلم؛ قربانی، نغمه؛ آبادی، حسام. (۱۴۰۲). بررسی عوامل مدرسه‌گریزی دانش‌آموزان، پنجمین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در علوم انسانی.



حیدری، فهیمه؛ طاهری، مهران؛ امینی عبدالیوسفی، ابراهیم؛ گرای، زهرا. (۱۳۹۷)، مدرسه گریزی: راهکارها و درمان، اولین کنگره ملی پیشگیری از آسیب های اجتماعی، اسفراین

سیف، سوسن؛ شعاع کاظمی، مهرانگیز. (۱۳۸۲). بررسی علل و عوامل مدرسه گریزی دانش آموزان دختر دبیرستان های شهر تهران سال تحصیلی ۸۱-۸۲، نشریه مطالعات اجتماعی - روان شناختی زنان (مطالعات زنان)، دوره: ۱، شماره: ۲

فتحی، شهلا. (۱۳۸۸). بررسی عوامل موثر بر مدرسه گریزی در دانش آموزان دختر مقطع راهنمایی رده سنی (۱۴-۱۵) سال شهر سقز، پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی

مروتی، ذکراالله. (۱۳۸۵). بررسی عوامل موثر بر فرار از مدرسه دانش آموزان پسر دوره دبیرستان شهرستان ابهر، پایان نامه کارشناسی ارشد چاپ نشده، دانشگاه علامه طباطبائی.

منصوری رضی، کبری. (۱۳۸۸). بررسی نقش شرایط اجتماعی-اقتصادی و تربیتی و جو کلاس درس بر مدرسه گریزی دانش آموزان دختر دوره راهنمایی شهرستان گرگان سال تحصیلی ۸۷-۸۸، پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی

Blag g, N. (2006). School refusal and its treatment. London: croom Helm.

Kearney ,C .A & Albano (2006) , when children refuse school : A cognitive behavioral therapy approach : Therapists guide . SanAntonio , TX : the Psychological cop ration

Orfield ,G (2004) , Dropouts hn American : confronting the graduation are crisis. Cambridge , MA : Harvard Education

Reid, Ken (2005). The causes. Views and traits of school absenteeism and Truancy: An analytical review Reaserch in Education, 74, 59-82

Wood, J.J. McLeod, B. D. Sigman, M. Hwang, W.C. & Chu, B.C. (2003). Parenting and childhood anxiety: Theory, empirical findings, and future directions. Journal of Child Psychology and Zhang, Ming (2003). Links between school absenteeism and child poverty. Postoral care in Education, 21, 1, 10-17. March 2003 Psychiatry, 44, 34-151.